

قدرشناس باشیم

هر صبح، هر طلوع خورشید، هر شنبه و هر آغازی، برای برخی از ما فرصت لعن و نفرین فرستادن به زندگی و خودمان است. این نارضایتی و ناسپاسی به حدی عادت شده که گاهی صدای توی سرمان را نمی شنویم و تمرین برای تغییر نگاه و رفتارمان به این سادگی ها نیست. چه کسی می تواند به سادگی در یک حکم کلی بگوید ما مردمان قدرشناسی نیستیم؟ مگر نه این که همین گزاره حاوی مقدار زیادی ناسپاسی و نارضایتی است؟ اما به استناد جملات حسرت آلودی که ممکن است بارها در طول روز بگویم و بشنوم شاید بد نباشد در این روزها و شب ها قدرشناسی و سپاسگزاری را تمرین کنیم برای همه چیزهایی که داریم؛ چیزهایی که همیشه داشته ایم و بدیهی شده اند مثل نفس کشیدن آنچنان که سعدی می گوید: «هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات.» سعدی پیش از همین عبارت در دیباجة گلستانش نقل کرده که: «منت خدای را عرو جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» و از مولانا این مصرع درباره شکرگزاری شهره است: «شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر نعمت از کفت بیرون کند.»



در مناجات نامه ها و ادعیه هم سخن شکر و سپاس، بسیار است و این موضوع به قدری مهم است که امام سجاد(ع) در صحیفه اش فرموده: «ای معبود من، نمی دانم کدام یک از این دو حالت به شکرگزاری سزاوارتر است؟ آیا هنگام تندرستی که روزهای پاکیزه خود را بر من گوارا ساخته بودی و مرا در طلب خشنودی و بخشش خود به نشاط آورده بودی و به فرمانبرداری خود توفیق می دادی و نیرو می بخشیدی یا هنگام بیماری که مرا به آن آرمودی و آن را همچون نعمتی به من ارزانی کردی تا بار سنگین گناه را بر پشت من سبک گردانی و مرا از آلودگی های نافرمانی پاکیزه سازی و همدارم دهی که توبه کنم و به یادم آوری که قدر نعمت پیشین را بدانم و زنگار گناه را از دلم بزدایم؟»

در این فراز که شکرگزاری از سوی امام(ع) یک وظیفه تلقی شده، بیماری نعمت است و مساله سزاواری شیوه شکرگزاری است به داده ها و نداده ها.

فرقی نمی کند آدمی معتقد به کدام دین و آیین باشد، گجای جهان و چگونه روزگار می گذراند، حتما چیزهایی هست برای شکرگزاری، همچنان که رنج و تنگنا هست؛ هیچ کدام وجود دیگری را نقض نمی کند و هیچ رنجی ارزش هیچ نعمتی را ضایع نمی کند؛ هر کدام به جای خود.

اهمیت و قدرت شکرگزاری مقوله ای نیست که به یک دین و آیین محدود شود؛ به جز ادیان آسمانی، نویسندگان و مولفان غربی هم در ستایش شکرگزاری سخن گفته و آثاری به طبع رسانده اند.

راندا برن و استیو هاروی ولتر و احتمالاً چند نویسنده و چهره سرشناس دیگر درباره اهمیت شکرگزاری و قدرت آن نوشته اند و با این همه بسیاری از ما اگر چند مرتبه در روز شکرگزاری کنیم، در عوض بارها و به دفعات، گاهی برای مضيقه های کوچکی مانند معطل شدن در مطب دکتر، کند شدن ترافیک، تغییرات جوی و دیر رسیدن به وسایل نقلیه عمومی هم گلیاه سر می دهیم چه رسد به مسائل و گرفتاری های بزرگ تر. هیچ شکری به معنای نفع رنج و مصیبت نیست و قدرشناسی را نمی توان با خوش بینی ساده لوحانه و ندیدن دشواری ها و مضیض های زندگی برابر دانست. تمرین کنیم، پیش از آن که امروز به گذشته تبدیل شود و ما بر آن حسرت بخوریم، قدرشناس تمام لحظه های آن باشیم.



نسخه خطی مناجات نامه خواجه عبدا... انصاری نگاشته شده در سال ۱۲۳۳ قمری

skinneinc.com

پیکر آیت... بجنوردی امروز در مشهد تشییع می شود

آیت... سیدمهدی موسوی بجنوردی از علمای تهران روز پنجشنبه دعوت حق را الییک گفت و پیکرش دپرویز در تهران تشییع شد و امروز در مشهد تشییع و در حرم مطهر علی بن موسی الرضا(ع) به خاک سپرده می شود. وی فرزند ارشد آیت... میرزا سیدحسن موسوی بجنوردی و نواده آیت... سیدابوالحسن اصفهانی



گفت وگوی «جام جم» با سید یحیی یثربی درباره مناجات های امروزی؛

مناجات نویسی منسوخ نشده است

ادبیات فارسی هرآنچه از ذوق و خلوص شاعران و عارفانش داشته، در پیشگاه معبود خود عرضه کرده و از نثر مسجع تا غزل و رباعی به بیان عظمت آفریدگار و نیایش در درگاه او پرداخته و نمونه های درخشانی از مناجات نامه ها تا غزلیات عارفانه را در خود ثبت کرده که معروف ترین آنها در ادبیات کلاسیک فارسی «مناجات و الهی نامه» خواجه عبدا... انصاری و برخی غزلیات مولانا است. اما هرچه در طول تاریخ پیشتر آمدیم، مناجات نامه ها از شکل سنتی و آغازین خود فاصله گرفته اند و به زعم بسیاری از ادیبان، این جنس از مناجات ها کم رنگ تر از پیش شده یا تقلیدی از نسخه های آغازین خود بوده است.

اما دکتر سید یحیی یثربی که از مهم ترین چهره های فلسفی این مرز و بوم است و تبصر ویژه ای در تحلیل مفاهیم فلسفی و عرفانی در ادبیات فارسی دارد، معتقد است در طول قرن های متوالی تغییر و تحولات بسیاری در مناجات نامه نویسی حادث شده که اگر غیر از این بود، جای تعجب داشت اما برخلاف عده ای که گمان می کنند دوره مناجات نویسی به سر آمده، حتی در این ایام و روزگار هم مناجات های خوبی سروده شده که ماندگار و ارزشمند هستند. دکتر یثربی در تشریح ویژگی های مناجات نامه ها می گوید مقام خداوند برتر از آن است که ما به زبان خود با او سخن می گوییم، مهم اتصال روحی و قلبی است، خواه با زبانی عامیانه و ساده، خواه مجهز به اسباب نثر، شعر و آرایه های ادبی. باید نقطه وصل را یافت و چه بهتر که بتوان از این گنجینه ماندگار بر پهنه ادبیات فارسی هم بهره برد و روح را جلا داد. در ادامه گفت وگوی ما با این استاد و پژوهشگر برجسته را می خوانید.

صباکرمی جام جم

❖ **مناجات از منظر دین چه ارزش و جایگاهی دارد و باید واجد چه ویژگی هایی باشد تا مقبول حق قرارگیرد؟**

مناجات از نجوا می آید، نجوا هم بیان مطلبی خصوصی و به طور پنهانی راز و نیاز کردن با خداست. هر بنده ای با زبان خودش با خدا گفت وگو هایی دارد و دردل خویش را نسبت به فرهنگ و اندیشه اش با خدا مطرح می کند و انتظار دارد خدا صدایش را بشنود. در این میان شاید نحوه بیان برخی خوشایند عده ای دیگر نباشد، مانند داستان موسی و شبان که به خدا می گفت «تو کجایی تا شوم من چاکرت / چارقت دوزم کنم شانه سرت / جامه ات شویم شپش هایت کشم / شیر پیشت آورم ای محتشم...» حضرت موسی(ع) از این ترتیب خوشش نیامد و به چوپان گفت خطاب تو به کیست؟ چوپان گفت با آن کس که مرا آفرید. موسی(ع) گفت این حرف ها مناسب نیست و «گر نبندی زین سخن تو خلق را / آتشی آید بسوزد خلق را» و او را سرزنش کرد و رفت. «وحی آمد سوی موسی از خدا/ بنده ما را ز ماکردی جدا/ تو برای وصل کردن آمدی / نی برای فصل کردن آمدی.»

فراموش نکنیم خدا از این حرف ها بالاتر است و نه ستایش ادبی و فاخر ما برایش مهم است، نه ستایشی خرد و ضعیف ناراحتش می کند. آنچه اهمیت دارد در این نکته است که «ما برون را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را». هرکس به زبانی با او سخن می گوید و این خود مناجات است که در اسلام هم نمونه های بسیار داریم و در مذهب تشیع نیز از معصومین(ع) مناجات های خوبی برای ما نقل شده است. در ادبیات فارسی هم تحت تاثیر همین نیاز، مناجات بسیار است که معروف ترین آن مناجات نامه خواجه عبدا... انصاری است و مولوی هم قطعات خوبی در مناجات با خدا دارد.

❖ **آیا از ابتدا مناجات نویسی در فارسی تحت تاثیر مناجات عربی بوده است؟**

این تاریخچه چندان مشخص نیست. اصلا سبک و سیاق مناجات فارسی به ویژه مناجات عرفانی با عربی فرق می کند و تحقیقا می توان گفت در زبان عربی مناجات عرفانی وجود ندارد و این سبک ابداعی خودمان است. «الهی به مستان میخانه ات / به عقل آفرینان دیوانه ات / به مستان افتاده در پای خم / به زندان پیمانه پیمای خم» از این دست مناجات بسیار داریم، به ویژه عارفان که آزادند و مانند همان چوپان، درون را خیلی جدی گرفته اند نه زبان را و البته به دلیل این که اهل ادبیات هم نبوده اند، زبان شان هم خیلی خوب است.

بود. تحریر اصول، کتاب الطهاره و کتاب البیع از آثار منتشر شده مرحوم آیت... بجنوردی است.

پیکر این عالم ربانی دیروز همزمان با سالروز شهادت امیرالمؤمنان علی(ع) از مسجد الجلیل تهران واقع در خیابان شهید نامجو تشییع و برای خاکسپاری

می دهد و همان طور که می دانید، در شریعت چنین حرف هایی نیامده است. اینها حد و حدود را رعایت نمی کنند اما به نوبه خودشان زیبا هستند و از نظر حضرت حق نیز چنان که از مناجات چوپان خوشش آمده بود و می گوید «هیچ ترتیبی و آدابی منجو، هرچه می خواهد دل تنگت بگو» این بدان معناست که حال فرد بر برخی آموزش ها مقدم است.

❖ **هدف غایی مناجات برای انسان که سروده اند و آنان که می خوانند، چیست و اساسا مناجات خوانی چه آدابی دارد؟**

لازم می دانم درباره مناجات ها دو نکته را تذکر بدهم. مراقب دو آفت در مناجات های مان باشیم. نخست این که جوگیر نشویم! گاهی اوقات می خندیم اما بعدا متوجه می شویم مساله اصلا خنده دار هم نبوده، ولی چون در مکانی بودیم که همه خندیدند، ما هم خندیدیم. یک زمان هم اشک می ریزیم و از حالی که پیدا کرده ایم، راضی هم می شویم اما وقتی بعدا همان مطالب را برای خودمان تکرار کنیم، می بینیم که گریه نمی کنیم و جو، روی ما اثر گذاشته بود. آیین و مراسم در عین طرافت و حسن هایی که دارد، این زیان را هم دارا است. به طور مثال مهم این است وقتی مظلومیت اباعبدا... (ع) در یادمان آمد، وجودمان آتش بگیرد و اشک از چشمان مان جاری شود اما می بینیم که گاهی همان مطالب را می شنویم و مشغول خوردن پلو و نوشابه هستیم. در حالی که در یک شرایط دیگر همان مطالب را یک مداح خوش زبان در فضای متفاوت تر عنوان می کند و تحت تاثیر آن قرار می گیریم. آفت این جوگیری ها این است که تاثیراتش زودگذر و آنی است و اخلاقیات فرد را اصلاح نمی کند. مریدان حضرت حق باید توجه داشته باشند که هرچه هست، باید از حال درونی خودشان باشد و به زور این حال درونی دیگران ایجاد نشده باشد. لذا این حال درونی است که بر رفتار فرد هم تاثیر می گذارد.

نکته دیگر این که خودخواهی مان را در برابر خدا، کنار بگذاریم. غالبا در مناجات ها نماینده خودمان و خواسته های مان هستیم، این باعث می شود خدا را یک کارساز امربر ببینیم که ما دستور بدهیم و او هم اجرا کند. لذا مخالفان دینداری معتقدند خدا زاده نیاز انسان به برادر بزرگ تر است. اما خدا را در حد برادر بزرگ تصور نکنیم، چرا که زود رازل می شود و در قرآن هم بارها به این مساله اشاره شده است. یک مقدار از اینها عمیق تر باشیم و از خود بگذریم، قهر و لطف را کناری نهیم و عاشقانه مناجات کنیم. به قول مولانا که می گوید «عاشقم بر قهر و بر لطفش به چد / بوالعجب، من عاشق این هر دو ضد» از این

❖ **شما اشاره کردید مناجات های فارسی با ذوق و قریحه ای خاص و با نگاهی متفاوت نگاشته شده اند. نسبت این مناجات با شریعت چیست؟**

بله، یک مقدار مضمون مناجات فارسی با مضمون مناجات شرعی که در تعالیم اهل بیت(ع) آمده، فرق می کند. به طور مثال در قرآن هم مناجات داریم که می فرماید «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ...» یا «رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا فِي الْآخِرَةِ بِإِيمَانٍ أَزْ» آیه ها «یا مناجات هایی که توسط مرحوم استاد شجریان و سید جواد ذبیحی خوانده شده است اما فرقی اینجا است که عرفا تا حدودی نظم و ترتیب خدا و بنده را رعایت نمی کنند و رابطه ای را به نمایش می گذارند گویی دو نفر به هم علاقه مندند که شکل عوامانه اش مانند مناجات شبان یا خداسات، عارفانه اش نیز مناجات های بی بدیل مولوی یا رضی آرتیمانی است. در این شعر که می گوید «الهی به مستان میخانه ات...» درواقع خدا را به افراد مستی که در میخانه هستند، قسم

به مشهد اعزام شد. به همین مناسبت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت این «فقیه و راسته» را تسلیت گفت. در پیام محمدمهدی اسماعیلی آمده است: ایشان با تقوای پیشگی، اخلاق مداری و اخلاص در عمل به تربیت شاگردان میرز و برجسته و نیز تألیف آثار ارزشمند دینی همت گمارد.

مقام بالاتر هم این است که «به دردت خو گرفتم، نیستم در بند درمانت».

❖ **به نظر شما چرا مناجات نویسی در روزگار امروز تقریبا منسوخ شده است؟ البته نمی توان گفت مناجات نامه نداریم. در عصر حاضر هم مناجات نامه های خوبی داریم. نمونه اش شهریار که برای تان دو سه بیتی از او می خوانم. شهریار می گوید «دلم جواب بلی می خرم بلای تو را / صلا بزن که به باشدم، هر چند وفا نمی کند این عمرها وفای تو را / غبار فقر و فنا توتیای چشمم کن / که خضر راه شوم چشمه بقای تو را / خوشا طلاق تن و دلکشا تلاقی روح که داده با دل من وعده لقای تو را...» یا شعری از هوشنگ ابتهاج که می گوید «ای عشق همه بهانه از توست / من خامشم این ترانه از توست / من انده خویش را ندانم / این گریه بی بهانه از توست / گر باده دهی وگرنه، غم نیست / مست از تو، شرابخانه از توست / چون سایه مرا ز خاك برگیر / کاینجا سرو آستانه از توست».**

❖ **اما با آن سبک و سیاقی که در گذشته مناجات نامه ها نوشته می شدند، کمتر سراغ داریم.**

بله و طبیعی است که شیوه ها فرق کرده باشد. سبک مناجات نویسی از زمان انمه اطهار(ع) تا ادبیات قرن چهارم دچار تغییر شده. آن وقت انتظار داریم از ادبیات قرن چهارم تا قرن چهاردهم و پانزدهم فرق نکند؟ بنابراین مناجات منسوخ نشده، بلکه با سبک و سیاق متفاوتی گفته می شود. نکته جالب تر این که حتی ما مناجات هایی با زبان های دیگر مانند ترکی و ... هم زیاد داریم، تقریبا همه زبان ها و گویش های محلی مناجات های خودشان را دارند.

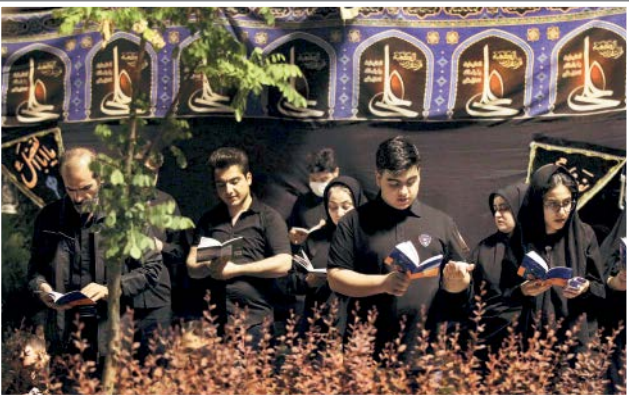
❖ **اگر بخواهید به خوانندگان ما در این روزهای یرفریض و برکت پیشنهاد دهید مناجات نامه ای بخوانند که حال معنوی بهتری داشته باشند و از آن لذت ببرند، انتخاب تان چیست؟**

اگر بخواهم به دوستان خود چیزی بگویم، این است که در این ماه مبارک رمضان همت بلند کنند، با خود خدا روبهرو شوند و به فکر کودکانی باشند که از مدرسه جا مانده اند، به فکر زباله گرد ها باشند و به فکر پداری که شرمند خانواده اند. مهمانی و افطاری های پرزرق و برق ندهند، در یاد گرفتارن و آشنایان نیازمند خود باشند، علی وار سراغ گرفتاران جامعه بروند و بدانند با گشودن گره یک گرفتار، درواقع مشکل خدا را حل می کنند. به عبادات افرادی بروند که کسی به عبادت شان نمی رود و بیمارند. بدانند مناجات یعنی با معشوق راز و نیاز کردن، شعر خواندن و جلسات دعا حتما ثواب و برکت دارد اما به فکر نیازمندان هم باشند. من معمولا پیشنهاد نمی دهم، همه کتاب ها خوب هستند، هرچه دوست دارند و با آن حس خوبی پیدا می کنند، بخوانند.



عزاداری شهادت امام عدالت در کنار مرقد شهدا

در دومین شب پربرکت قدر، همزمان با شب شهادت امام عدالت و توحید، علی(ع) گروهی از مردم تهران با حضور در بهشت زهرا(س) مراسم شب احیارا در کنار مزار مطهر سربازان امام زمان(عج) و رهروان واقعی طریق حیدر، شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار کردند. آنچه می بینید، روایت تصویری مجید آزاد، عکاس جام جم از این مراسم است.



برای دیدن ادامه عکس های این گزارش تصویری در جام جم آنلاین این کد را اسکن کنید

